

تحلیل سیاسی هفته (۱۲)

سفر منطقه‌ای وزیر امور خارجه آمریکا، ابعاد و پیامدها

نام دفتر: مطالعات سیاسی
شماره مسلسل: ۲۶۰۱۲۹۰۵
تاریخ انتشار: ۱۳۹۱/۱۲/۲۶

مقدمه

جان کری در نخستین سفر رسمی خود پس از تصدی سمت وزیر امور خارجه آمریکا در سفری دوره‌ای به مدت ۱۱ روز به چند کشور اروپایی، ترکیه و چند کشور عربی منطقه سفر کرد و آنگونه که وزارت خارجه آمریکا اعلام کرد، این سفر بیشتر در راستای شنیدن و آگاه شدن از دیدگاه‌های کشورهای منطقه در مورد مهمترین تحولات جاری به‌خصوص بحران سوریه و آخرین وضعیت کشورهای عربی انقلابی بود. اما در ورای این نگاه و نگرش باید تأکید کرد که جان کری به‌عنوان رئیس سابق کمیته روابط خارجی سنا به‌خوبی از عمق تحولات منطقه آگاه بوده و تنها برای هماهنگی بیشتر جهت سفر ماه آینده باراک اوباما به منطقه خاورمیانه، سفر دوره‌ای خود را انجام داده است.

نگاهی به کشورهای هدف

وزیر امور خارجه آمریکا در سفر ۱۱ روزه خود به ۹ کشور سفر کرد، با نگاهی به این کشورها به خوبی می‌توان هدفمند بودن این سفر را برای راهبردهای منطقه‌ای و بین‌المللی این کشور مورد تأکید قرار داد. جان کری در این سفر ۱۱ روزه از انگلیس، آلمان، فرانسه، ایتالیا، ترکیه، مصر، عربستان، قطر، امارات متحده عربی دیدار کرد، کشورهای اروپایی که وزیر امور خارجه آمریکا با سران آن ملاقات کرد، در واقع متحدان اروپایی آمریکا در سازمان نظامی ناتو می‌باشند که در استراتژی بلندمدت آمریکا در قبال مسائل مهم منطقه‌ای و بین‌المللی نقشی مهم برعهده دارند.

اما کشورهای عربی که جان کری از آنها دیدار کرد در یک رابطه دوسویه، مربوط به تأمین امنیت رژیم صهیونیستی و در حفظ نظم منطقه‌ای مورد نیاز واشنگتن نقش مهمی داشته و دارند. مصر انقلابی با به قدرت رسیدن اخوان المسلمین به تضمین‌های آمریکا نیاز داشته و دارد و سه کشور عربی قطر، عربستان و امارات متحده عربی نیز به‌عنوان متحدان آمریکا، علاوه بر تأمین نفت مورد نیاز غرب، مهمترین خریداران تسلیحات ساخت آمریکا، همچنین بخشی از پروژه ایران‌هراسی واشنگتن و در نهایت مهمترین تأمین‌کنندگان هزینه‌های مالی مقابله با محور مقاومت در منطقه به‌شمار می‌روند.

اما اینکه چرا جان کری به بحرین، سرزمین‌های اشغالی فلسطین، اردن، کویت و حتی عمان سفر نکرد نیز محل سؤال است و نشان‌دهنده هدفمند بودن این سفر دوره‌ای می‌باشد.

ترکیه نیز به‌عنوان تنها کشور مسلمان عضو ناتو که میزبان سپر موشکی آمریکا و همچنین سیستم‌های ضد موشکی پاتریوت به‌شمار می‌رود، در این سفر جایگاه خود را داشت و جان کری در دیدار با سران حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه، راهبردهای شناخته شده آمریکا در منطقه را پیگیری کرد.

جایگاه سوریه در سفر جان کری

مهمترین پرونده‌ای که وزیر امور خارجه جدید آمریکا در سفر دوره‌ای خود به آن پرداخت، مسئله سوریه بود. جان کری هر چند تا پیش از انتخاب به‌عنوان وزیر امور خارجه دیدگاه‌های تقریباً متفاوتی در مورد سوریه داشت، اما در این سفر با حجم متفاوتی از درخواست‌های متحدان اروپایی، عرب و ترک خود مواجه شد که پس از دو سال جنگ علیه سوریه، هنوز موفق به سرنگونی نظام حاکم بر این کشور نشده‌اند.

درواقع وزیر امور خارجه آمریکا درحالی که سیاست واشنگتن در برابر سوریه - دست کم به صورت اعلامی - عدم مداخله مستقیم در این کشور است، تحت فشار متحدان خود است تا در سوریه مداخله نظامی نکند. این کشورها بر این باور هستند که بدون مداخله مستقیم آمریکا، نظام حاکم در سوریه همچنان به کار خود ادامه خواهد داد و در صورتی که واشنگتن بر متحدان منطقه‌ای و بین‌المللی سوریه فشار وارد کند، طرح آنها در سرنگونی حکومت بشار اسد کارگشا خواهد بود.

این نوع نگاه و برداشت را جان کری با حضور در نشست کشورهای موسوم به دوستان سوریه و در دیدار با معاذ الخطیب رئیس ائتلاف مخالفان سوریه - مشهور به ائتلاف دوحه - در ایتالیا، در سفر به ترکیه، عربستان سعودی و قطر به خوبی مشاهده کرد.

اما نحوه برخورد وزیر امور خارجه آمریکا با مسئله سوریه، فارغ از دغدغه‌های متحدان آنها - یعنی افزایش هزینه‌ها با تداوم بحران و ناکامی مخالفان در برابر نیروهای دولتی - اندکی قابل پیش‌بینی و حتی قابل تأمل بود. آمریکا در تداوم سیاست عدم مداخله نظامی در سوریه؛ با توجه به هزینه‌های سرسام‌آور آن؛ همچنین عدم وجود مجوزهای لازم از طرف شورای امنیت؛ به دلیل مخالفت‌های روسیه و چین؛ همچنین ناتوانی و عدم انسجام مخالفان و شورشیان مسلح سوریه، نمی‌خواهد به صورت تمام‌عیار وارد بازی غیرقابل پیش‌بینی سوریه شود، هرچند که پس از سفر کری مشخص شد واشنگتن این سیاست را تا اندازه‌ای به کنار گذاشته و قصد دخالت کنترل شده در سوریه را دارد.

رفتار دیپلماتیک جان کری در کنفرانس مطبوعاتی با همتای ترک خود در آنکارا، شاید مهمترین وجه نگاه آمریکا به درخواست مداخله نظامی در سوریه باشد. در قطر و عربستان نیز وزیر امور خارجه آمریکا در میان فشار بی‌سابقه سران دوحه و ریاض، تنها با ارسال تجهیزات «غیرمربط» برای گروه‌های مسلح میانه‌رو - نقطه مقابل گروه‌های وابسته به القاعده و تندروهای سلفی - در سوریه موافقت کرد که با توجه به عدم توانایی نظامی و همچنین انسجام این گروه‌ها، در واقع اقدامی عملی و تأثیرگذار به‌شمار نمی‌رود. البته این مسئله را می‌توان به این صورت نیز تحلیل کرد که آمریکا در پوشش کمک به گروه‌های میانه‌رو و با علم به اینکه کمک‌های ارسالی بدون شک به دست گروه‌های تندرو به خصوص جبهه النصره نیز می‌رسد، بر آن است تا این مسئله را پوششی جهت ارسال چنین تجهیزاتی به سوریه قرار دهد.

جایگاه مسائل دوجانبه در سفر جان کری

وزیر امور خارجه آمریکا در سفر دوره‌ای اخیر خود علاوه بر مسائل منطقه‌ای، روابط دوجانبه آمریکا با هریک از کشورهای که با آن سفر کرد را نیز در دستور کار قرار داد. کری که یک سیاستمدار آشنا به مسائل دیپلماتیک محسوب می‌شود هرچند در این سفر نشان داد که به همه ظرافت‌های آن آشنایی و تسلط ندارد، اما در بُعد تأثیرگذاری - به واسطه شخصیت خود - توانست با مقامات کشورهای مختلف رابطه منطقی پیدا کرده و از این زاویه به پیشبرد روابط کشورش با کشورهای اروپایی و عربی بپردازد.

در اروپا، جان کری با شروع سفر خود از انگلیس نشان داد که واشنگتن و لندن همچنان متحدین راهبردی باقی خواهند ماند و کشورهای اروپایی باید از این دیدگاه کاخ سفید مطلع باشند که رویکرد آنها در مورد انگلیس، یک رویکرد خاص و ویژه است. در بعد دیگر باید به این نکته نیز توجه داشت که با توجه به استراتژی اعلام شده آمریکا مبنی بر اولویت داشتن شرق آسیا و اقیانوس آرام در سیاست خارجی و نظامی، جان کری این پیام را هم به کشورهای اروپایی اعلام کرد که با وجود نگاه آسیایی، همچنان اروپا را به عنوان بخشی از راهبرد بلندمدت خود مدنظر دارد.

کری در سفر خود به ترکیه علاوه بر مسئله سوریه، سه پرونده مهم دیگر را نیز در دستور کار داشت، نخست روابط آنکارا - تل‌آویو و ضرورت حل این مشکل با کوتاه آمدن ترک‌ها، دوم مسئله سیستم سپر موشکی و لزوم توسعه آن با هدف مقابله با جمهوری اسلامی ایران و سوم نیز مسئله داخلی ترکیه و لزوم اهمیت به آزادی رسانه‌ها و باز کردن فضای سیاسی توسط دولت اردوغان که بخش آخر چندان به مذاق ترک‌ها خوش نیامد.

وزیر امور خارجه آمریکا در دیدار از سه کشور عرب حوزه خلیج فارس نیز روابط دوجانبه را مورد بررسی قرار داد. این روابط از یک سو مبتنی بر تأمین منافع راهبردی آمریکا در منطقه خاورمیانه و از سوی دیگر بر لزوم هماهنگی بیشتر این کشورها با واشنگتن در حوزه امنیتی و نظامی ارتباط داشت.

جان کری البته در سفر دوره‌ای خود به بحرین نرفت و حتی موضعگیری چندانی در قبال تحولات این مجمع‌الجزایر نیز نداشت. این عدم موضعگیری در مورد مسئله مهمی مانند بحرین نشان از آن دارد که ایالات متحده آمریکا در حوزه اعلامی و عملی توان اقدام در بحرین را ندارد و عملاً دست رژیم حاکم را برای سرکوب مردم معترض باز گذاشته است. به بیان دیگر، ناتوانی آمریکا در تأثیرگذاری در مسئله بحرین در حقیقت ناشی از کم شدن توان عملیاتی آمریکا در منطقه خاورمیانه است که عملاً تحولات در بحرین به دست عربستان و رژیم حاکم رقم خورده و آمریکا تنها نظاره‌گر این ماجرا می‌باشد، هرچند به نظر می‌رسد آمریکا به واسطه نوع نگاه جان کری تمایل دارد که مسئله بحرین با مذاکره و رسیدن به توافق بینابین به سرانجام برسد.

روابط با مصر، برخورد دوگانه با اسلام سیاسی

هرچند پرونده سوریه دارای جایگاه مهمی در سفر اخیر جان کری داشت، اما نباید از سفر پرحاشیه وی به مصر به سادگی گذشت. بر کسی پوشیده نیست که به قدرت رسیدن محمد مرسی از جریان اخوان المسلمین در این کشور بدون چراغ سبز آمریکا میسر نبود و این همراهی و هماهنگی میان قاهره و واشنگتن در سطح بسیار بالایی در جریان است.

جماعت اخوان که پس از به قدرت رسیدن برخلاف شعارهای چند دهه‌ای خود سیاستی متفاوت را در داخل، منطقه و سطح بین‌المللی در پیش گرفت، اکنون هم‌خوانی بسیاری با سیاست‌های آمریکا در منطقه دارد. رفتار دولت محمد مرسی در قبال جنگ هشت روزه غزه و تلاش برای برقراری آتش‌بس با فشار بر گروه‌های مقاومت، به رسمیت شناختن معاهده کمپ دیوید، تداوم رابطه دیپلماتیک با رژیم صهیونیستی با گسیل سفیر جدید به تل‌آویو، تعهد به تداوم انتقال گاز به سرزمین‌های اشغالی، همکاری امنیتی با رژیم صهیونیستی در صحرای سینا شاید مهمترین مسائلی باشد که دولت اخوانی مصر خود را به آن متعهد دیده و از رهگذر همین تعهد بوده که واشنگتن سیاست ملایمی را در قبال رفتارهای تند و خارج از اصول دمکراتیک مرسی - مانند صدور احکام شش ماده‌ای و همچنین تلاش برای کنترل قوه قضائیه از طریق برکناری دادستان کل مصر - در پیش گرفته است.

سفر جان کری به مصر تحت حاکمیت اخوان با چنین مختصات در حقیقت چراغ سبز نشان دادن به تداوم این رفتار بوده و هست. همین مسئله باعث شد تا مخالفان نظام حاکم مصر، دیدار با کری را تحریم کنند. نکته جالب در این مورد، حضور همه احزاب ملی، سکولار و لائیک در جمع مخالفان دیدار با وزیر امور خارجه آمریکا بود. کمک ۳۹۵ میلیون دلاری آمریکا به دولت مصر که در این سفر تأیید شد، پاداشی از طرف آمریکا به محمد مرسی خوانده می‌شود.

پذیرفتن اخوان المسلمین توسط آمریکا در مصر که از زمان به قدرت رسیدن محمد مرسی با دیدارهای مکرر ثابت شده، در حقیقت نشانه‌هایی از تمایل آمریکا به اسلام سیاسی از نوع اخوانی را بروز می‌دهد که پیش از این در ترکیه به قدرت رسیده بود و حرکتی برخلاف منافع آمریکا نداشته و ندارد. از این رو می‌توان چنین برداشت کرد که آمریکایی‌ها چندان بی‌میل نیستند تا چنین حکومت‌های اسلامگرایی را در کشورهای عربی به قدرت رسانده و تعریف جدیدی از اسلام سیاسی - در مقابل اسلام سیاسی شیعی که غیرقابل سازش است و اسلامی سیاسی وهابی که رویکردی افراطی و مسلحانه دارد - را ارائه کند.

یکی از مهمترین نتایج دیدار کری از مصر، علاوه بر دستور محمد مرسی به نیروهای ارتش برای تخریب همه تونل‌های ارتباطی باریکه غزه با مصر، فشار وی بر سران حماس برای کنار گذاشتن سلاح و ورود به فاز سازش می‌باشد که البته این مسئله توسط مقامات دولت حماس در باریکه غزه رد شد. تونل‌های غزه که شریان حیاتی مردم تحت محاصره این باریکه برای

تأمین مایحتاج روزانه آنها محسوب می‌شود، امتیازی بود که رئیس‌جمهور اخوانی و اسلام‌گرای مصر در قبال اعتماد دولت آمریکا به خود و جماعت متبوعش داد؛ اقدامی که حتی حسنی مبارک نیز از آن واژه داشت.

موضوع ایران در سفر دوره‌ای جان کری

یکی از مسائل مهمی که وزیر امور خارجه آمریکا در جریان سفر دوره‌ای خود بارها به آن پرداخت، مسئله رابطه با ایران و برنامه هسته‌ای کشور بود. کری در هریک از ایستگاه‌های سفر خود به نوعی در رابطه با ایران واکنش نشان داده و آن را جزو اولویت‌های حضور چهارساله خود در وزارت خارجه آمریکا ارزیابی کرد.

هرچند کری در سفر به کشورهای عرب حوزه خلیج فارس تلاش کرد با تداوم پروژه ایران‌هراسی، سیاست کهنه و قدیمی آمریکا را در فروش تسلیحات بیشتر به کشورهای عرب نفتی این منطقه تداوم دهد، اما تغییر برخی معادلات منطقه‌ای و شکل‌گیری چالش‌های جدید در برابر آمریکا - مانند خروج از افغانستان در سال ۲۰۱۴ به همراه پیوند اقتصادی و سیاسی ایران با عراق و سرنگون نشدن نظام حاکم بر سوریه - سران‌کاخ سفید را به در پیش گرفتن نوعی سیاست احتیاطی در برابر ایران سوق داده است.

اظهارات وزیر امور خارجه آمریکا در گفت‌وگو با شبکه خبری سی.ان.ان در پایان سفر دوره‌ای خود به منطقه در مورد ایران نشان داد که آمریکا در شرایط فعلی به فکر تقابل نیست، هرچند می‌داند که ایران تعامل مدنظر آمریکا را هم در صورت دارا بودن شرایط رفتاری آمریکا - چماق و هویج - به هیچ عنوان نخواهد پذیرفت.

جمع‌بندی

سفر ۱۱ روزه وزیر امور خارجه آمریکا برخلاف آنچه به نظر می‌رسد بیش از آنکه یک سفر اکتشافی و کسب آگاهی باشد، در واقع یک سفر معارفه‌ای و تشریفاتی بود که جان کری آن را انجام داد. در صدر قرار گرفتن مسئله سوریه که به دلیل ماهیت سفر وی به کشورهای طرفدار شورشیان مسلح صورت گرفت، در واقع مهمترین بخش سفر وی را تشکیل می‌داد.

وزیر امور خارجه آمریکا در پایان سفرش تغییری محسوس در سیاست قبلی خود در قبال سوریه داشت، او با اعلام اینکه حمایت از شورشیان مسلح میانه‌رو در سوریه قابل قبول است، در حقیقت نه به نفع منافع کشورهای فعال بر ضد سوریه، بلکه به نفع سیاست‌های اعلامی آمریکا در سوریه - محدود شدن فعالیت جبهه‌النصره - گام برداشت. در بُعد دیگر باید گفت که آمریکا دخالت نظامی مستقیم در سوریه را رد کرده و کمک‌رسانی به گروه‌های مسلح را برعهده کشورهای ترکیه، عربستان و قطر گذاشته است و خود نیز علاوه بر آموزش اعضای گروه‌های شورشی در برخی از کشورهای عربی مانند اردن، آنها را به برخی تجهیزات غیرکشنده مانند جلیقه‌های ضدگلوله، سیستم‌های مخابراتی، زره‌پوش و دارو مجهز خواهد کرد.

اما در بُعد دیگر ماجرا باید گفت که پرونده‌های مهمی که تا پیش از این برای ایالات متحده آمریکا مهم ارزیابی می‌شد در این سفر مورد اشاره قرار نگرفت؛ موضوع مهمی مانند سازش میان اعراب و اسرائیل از یک‌سو و گفت‌وگوی فلسطینی - اسرائیلی از سوی دیگر.

جان کری با نرفتن به سفر فلسطین اشغالی و مطرح نکردن موضوع تشکیل کشور مستقل فلسطینی در دیدارهای متعدد خودشان داد که کاخ سفید در حال حاضر قصد پرداختن به این مسئله را ندارد و با در اولویت قرار دادن پرونده هسته‌ای ایران و موضوع سوریه بر آن است تا اعلام کند که در شرایط فعلی پیش بردن طرح صلح اعراب و اسرائیل و یا بعد اسرائیلی - فلسطینی آن امکان‌پذیر نیست.